فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۴، بهار ۹۸، صفحات ۱۶۲- ۱۳۱

تحلیل موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایـران از دیدگاه اعضـاء هیأت علـمی جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی

اصغر میرفردی[۱]، آسیه صادق‌نیا[۲]، رامین مرادی[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۶

چکیده

توسعه‌ی اجتماعی یکی از فراگیرترین ابعاد توسعه است. این مقاله به تحلیل جامعه‌شناختی موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران از دیدگاه اعضاء هیأت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش انجام شده است و تعداد ۱۳۱ نفر از اعضاء هیأت علمی به عنوان نمونه با نمونه‌گیری هدف‌مند انتخاب و دیدگاه آن‌ها درباره‌ی موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران مورد پرسش قرار گرفت. در گام اول با مصاحبه‌ی باز با تعدادی از اعضاء هیأت علمی و بهره‌گیری از ادبیات پژوهش؛ مؤلفه‌های مورد بررسی شناسایی و سپس در گام دوم با ابزار پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته، داده‌ها گردآوری شدند. روایی صوری و ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای ارزیابی اعتبار و پایایی ابزار سنجش به‌کار گرفته شدند. نتایج مطالعه نشان داد که از دیدگاه کارشناسان دانشگاهی موانع اقتصادی؛ سیاسی؛ فرهنگی و اجتماعی به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران ارزیابی شدند. به‌صورت مصداقی شبکه‌ی فساد، اقتصاد دولتی و نبود شایسته‌سالاری به ترتیب به عنوان مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی در کشور بوده‌اند. نتیجه این‌که موانع اقتصادی و سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین بازدارنده‌های توسعه‌ی اجتماعی معرفی شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه‌ی اجتماعی، موانع توسعه‌ی اجتماعی، اقتصاد دولتی، جامعه‌شناسی، ایران.

[۱] دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول) amirfardi@shirazu.ac.ir
[۲] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج as.sadeghnia@gmail.com
[۳] استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج Raminmoradi83@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مقدمه

توسعه و ابعاد آن از حوزه‌های مهم و پردامنه‌ی جامعه‌شناسی است که در دهه‌های اخیر از جای‌گاه برجسته‌ای در مطالعات اجتماعی برخوردار شده است. توسعه در مفهوم قوی خود، به معنای استفاده از منابع تولید جامعه جهت بهبود شرایط زندگی فقیرترین افراد و در معنای ضعیف خود، سهم بیش‌تر از همه چیز برای تمامی افراد در چارچوب بیش‌ترین سهم برای عده‌ای انگشت‌شمار است (پیت و هارت ویک[1]، ۱۵:۱۳۸۴).

در نیم قرن اخیر، هدف سنتی توسعه، مورد سؤال قرار گرفت(پیتر[2]،۱:۲۰۱۰) و تحقق استعدادهای بشر، نیل به آزادی اهمیت یافت (عنبری، ۱۳۹۰: ۴۲) و توسعه‌ی انسانی، توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی اجتماعی و... مورد توجه اندیش‌مندان قرار گرفت. برای نخستین بار در کنفرانس جهانی سال ۱۹۹۵، رهبران جهانی اهمیت عبارت توسعه‌ی اجتماعی و رفاه بشری را مورد تأکید قرار دادند و اهداف توسعه‌ی اجتماعی، ریشه‌کن‌کردن فقر، گسترش کار خلاق و انسجام اجتماعی بیان شد(سازمان ملل، ۱۹۹۵). بنا بر نظر میجلی[3] توسعه‌ی اجتماعی فرآیند تغییر اجتماعی است که در جهت ارتقاء زندگی افراد طراحی شده است و همه در رابطه با فرآیند پویای توسعه‌ی اقتصادی می‌باشد. میجلی و تانگ[4] بیان می‌دارند که «توسعه‌ی اجتماعی نهایتاً در ارتباط با بهترزیستن همه‌ی اعضای جامعه می‌باشد»(میجلی و تانگ[5]، ۲۰۰۱: ۲۴۶-۲۵۱). پاتل[6] ذکر می‌کند که توسعه‌ی اجتماعی الزاماً یک رویکرد مردم‌محور برای توسعه است که حضور و مشارکت شهروندان را ترویج می‌دهد(پاتل، ۲۰۰۵: ۳).

با توجه به این‌که توسعه‌ی اجتماعی می‌تواند با دخالت‌دادن مردم در برنامه‌های توسعه باعث شود که ظرفیت‌شان را تقویت کند و کیفیت زندگی‌شان را بهبود بخشد و هم‌چنین تقویت امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، حقوق بشر و... را در بر داشته باشد، بررسی و توجه و ایجاد زمینه‌های نظری و عملی جهت دست‌یابی به آن اهمیت دارد. در ایران با وجود این‌که برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی با پسوندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعریف شده‌اند، اما سهم بخش

[1] Peet and Hartwick
[2] Pieters
[3] Midgley
[4] Tang
[5] Midgley and Tang
[6] Patel

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اجتماعی در مقام نظر و عمل در قیاس با بخش اقتصادی کم بوده، به‌گونه‌ای که برنامه‌های توسعه به حوزه‌ی اقتصادی و عمرانی محدود شده‌اند.

با وجود تحولاتی که از آغاز قرن بیستم در ایران رخ داده است(فوران،۱۳۷۸؛ خلیلی خو، ۱۳۷۳؛ دیگار و دیگران، ۱۳۷۷) و داده‌های ملی و شاخص‌های جهانی نشان می‌دهند که جامعه‌ی ایران از نظر توسعه‌ی اجتماعی در مقایسه با بسیاری از کشورها از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به شواهد زیر در رابطه با وضعیت توسعه‌ی اجتماعی در ایران اشاره کرد:

مؤسسه‌ی لگاتیوم[1] هرساله رتبه‌بندی کشورهای جهان را به عنوان شاخص ارائه می‌کند. در این شاخص ۸۹ متغیر که زیرمجموعه‌ی ۸ خرده شاخص اقتصادی، کارآفرینی و فرصت حکم‌رانی، آموزش، سلامت، ایمنی و امنیت، آزادی فردی و سرمایه‌ی اجتماعی هستند، مورد سنجش قرار می‌گیرند. بر اساس رتبه‌بندی ارائه‌شده از سوی مؤسسه‌ی لگاتیوم در سال ۲۰۱۳، ایران از نظر رتبه‌بندی کلی در میان ۱۴۲ کشور مورد بررسی و در جای‌گاه ۱۰۱ جهان قرار گرفت. در سال ۲۰۱۴ رتبه‌ی ۱۰۷، در سال ۲۰۱۵ رتبه‌ی ۱۰۶ و در سال ۲۰۱۶ در جای‌گاه ۱۱۸ قرار گرفته است.

در گزارش‌های مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی در قالب ۶ شاخص زیر مورد سنجش قرار گرفته است: ۱- فعالیت مدنی، ۲- باشگاه‌ها و انجمن‌ها، ۳- انسجام درون گروهی، ۴- اعتماد و امنیت میان شخصی، ۵- برابری جنسیتی، ۶- ادغام اقلیت‌ها(فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

وضعیت رتبه‌ای شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی در ایران بر اساس شاخص‌های این مؤسسه، طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ در بین ۱۹۲[2] کشور در جدول زیر نشان داده شده است.

[1] The Legatum Institute

[2] امکان گردآوری داده‌ها برای ۱۹۲ کشور امکان‌پذیر بوده، که در این میان تمامی داده‌ها برای این ۱۹۲ کشور نیز در دسترس نبوده و تعداد کشورهایی که اکثر داده‌ها در مورد آن‌ها داوری شده است ۱۲۰ کشور است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی یک- رتبه‌ی شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی ایران در مقیاس جهانی

سال / شاخص	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰
فعالیت مدنی	۹۷	۱۰۲	۸۱	۸۷	۸۷
باشگاه‌ها و انجمن‌ها	–	–	۸۹	۹۸	۱۰۷
انسجام درون‌گروهی	۶۰	۴۵	۷۲	۱۲۵	۱۲۳
اعتماد و امنیت میان شخصی	–	–	–	–	۳۱
برابری جنسیتی	۱۶۵	۱۵۶	۱۸۱	۱۶۲	۱۶۵
ادغام اقلیت‌ها	–	–	۵۵	۱۰۷	۹۹

منبع: (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۵-۱۷۲)

در میان گزارش‌های داخلی ذکرشده، می‌توان به پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان اشاره کرد. از شاخص‌های مرتبط با توسعه‌ی اجتماعی در این گزارش می‌توان به احساس عدالت، احساس آزادی و امنیت، احساس رفاه و آسایش، احساس خوش‌بختی، احساس افتخار ملی و احساس وفاداری را به جامعه در بین مردم نام برد. پیمایش یاد شده در رابطه با احساس عدالت وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهد. در مورد احساس رفاه و آسایش بخش قابل توجهی از پاسخ-گویان پیمایش ملی سال ۱۳۷۹ در حد متوسط و پایین‌تر از متوسط از رفاه، آسایش و سلامت خود رضایت داشته‌اند. بر اساس نتایج پیمایش‌های ملی سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲، در ارزیابی وضع کشور، حدود بیش از ۹۰ درصد از پاسخ‌گویان به اصلاح وضع فعلی نظر داده‌اند(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰:۲۲۶-۲۲۵؛۱۳۸۲:۲۰۲ - ۲۰۱).

نظر به پیشینه ورود ایران به روند تحولات توسعه‌ای، چنین جایگاهی برای توسعه‌ی اجتماعی ایران؛ جای تأمل و تحلیل دارد. این‌که چه موانعی فراروی توسعه‌ی اجتماعی در ایران وجود دارد، مبحثی است که تاکنون به شیوه‌ی تخصصی و علمی چندان بدان پرداخته نشده است و نیاز به واکاوی علمی بیش‌تری دارد. توسعه، اگرچه با هدف بهبود شرایط زندگی همه‌ی افراد جامعه دنبال می‌شود؛ تحلیل و ارزیابی علمی آن موضوعی تخصصی است که تنها از عهده‌ی کارشناسان مرتبط با مباحث توسعه‌ای برمی‌آید. توسعه‌ی اجتماعی موضوعی است که جامعه‌شناسان به عنوان کارشناسان اجتماعی بیش از دیگران به ماهیت، اهداف و شاخص‌های آن آگاهی دارند و در فعالیت‌های علمی خود بدان می‌پردازند. در این راستا، این مقاله بر آن بوده است تا مهم‌ترین موانع

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

توسعه‌ی اجتماعی را در ایران از منظر برخی از کارشناسان مرتبط با این حوزه – اعضاء هیأت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی کشور– مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد. اهمیت این بررسی هم به اهمیت توسعه‌ی اجتماعی و هم به ضرورت شناخت موانع آن برمی‌گردد.

پیشینه‌ی پژوهش

فلاحی و همکاران(۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که شاخص‌های امنیت اجتماعی، وفاق و همبستگی اجتماعی، کیفیت زندگی و اخلاق توسعه‌ی اجتماعی بیش از ۷۰ درصد از واریانس متغیر توسعه‌ی اجتماعی را تبیین می‌کند. بر اساس این پژوهش سطح توسعه‌ی اجتماعی در شهر تهران نزدیک به متوسط بوده است.

عزیزی و سیدیان هاشمی(۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند که متغیرهای کیفیت زندگی، رفاه فردی، برابری قدرت خرید، احساس عدالت اجتماعی و درآمد سرانه به ترتیب بیش‌ترین سهم را برای پیش‌بینی متغیر توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی شهروندان شهر اصفهان دارند. نتایج پژوهش فتحی و مختارپور(۱۳۹۵) نشان می‌دهد که متغیرهای خودآگاهی، روابط بین فردی، تفکر نقادانه، قدرت تصمیم‌گیری و هم‌دلی به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر ارتقاء توسعه‌ی اجتماعی دارند. حبیب‌زاده و همکاران(۱۳۹۲) در پژوهش خود در کرج نشـان دادند که عوامل پیش‌برنده‌ی توسعه‌ی اجتماعی شامل متغیرهای محیط زیست، حمل و نقل، اشتغال زنان، ارتباطات، همبستگی اجتماعی، روابط خانوادگی، درخواست کمک از دیگران و علاقه به کار بودند. هم‌چنین در مطالعات داخلی می‌توان به تحقیقاتی چون مطلق و گندمی(۱۳۹۶)، رفیعی و شیری(۱۳۹۶)، ازکیا و همکاران(۱۳۹۳)، عزمی(۱۳۸۷) نیز اشاره کرد.

هولژاسن[1](۲۰۱۳) در پژوهشی برای برنامه‌های توسعه‌ی اجتماعی سوایزلند جهت به حداکثررساندن رفاه مردم، نیاز ۴ اولویت را ذکر می‌نماید: افزایش امکانات کودکان، زیرساخت‌های اساسی، امکانات عمومی و امکانات ورزشی.

ماتسوئی[2](۲۰۰۴) در پژوهشی کشورهای جنوب و شرق آسیا را بر اساس شاخص‌های توسعه-ی انسانی و اجتماعی رتبه‌بندی کرده است. نتایج نشان داد که از لحاظ شاخص‌های توسعه‌ی

[1] Holtzhausen
[2] Matsui

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

انسانی کشور هنگ کنگ و از لحاظ شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی کشور کره در رتبه‌ی نخست قرار دارند.

پژوهش‌های بررسی‌شده در داخل کشور به لحاظ ادبیات نظری از غنای قابل قبولی برخوردار نمی‌باشند و ادبیات نظری در ارتباط با توسعه‌ی اجتماعی در پژوهش‌های انجام‌شده، مختصر، کلی و با نگرشی سطحی بوده است. با وجود مطالعات انجام‌شده، مروری بر وضعیت شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که برای رسیدن به توسعه‌ی اجتماعی موانعی وجود دارد؛ اما این موانع به صورت علمی روشن نیست. این پژوهش هم در گستره‌ی ملی انجام شده است و هم این‌که محدود به بررسی موانع خاصی نیست؛ بلکه بر آن بوده است تا ضمن بهره‌گیری از تجربه‌ی مطالعات پیشین، موانع موجود فراروی توسعه‌ی اجتماعی را در ایران از منظر کارشناسان دانشگاهی اولویت‌بندی کند. علاوه بر این با توجه به این‌که این پژوهش در میان اعضای هیأت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی به‌عنوان متخصصان این حوزه انجام گرفته است، می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مربوط به این زمینه مورد توجه قرار بگیرد.

چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

توسعه‌ی اجتماعی، به‌عنوان یکی از ابعاد محوری توسعه، مورد توجه دیدگاه نوسازی بوده است و در این میان، پارسنز[1] نقش برجسته‌ای در تحلیل توسعه‌ی اجتماعی که در دیدگاه نوسازی با عنوان نوسازی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، داشته است. پارسنز (۱۹۵۱) نیز به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان نوسازی اجتماعی توسعه، در نظریه‌ی نظام اجتماعی خود به فرآیند هم‌تغییری خرده‌نظام‌ها پرداخته است. در این نظریه خرده‌نظام سیاسی، مسیر دست‌یابی به اهداف عمومی جامعه را از طریق بسیج امکانات فراهم می‌کند. خرده‌نظام اجتماعی نیز با بهره-گیری از هنجارها به حفظ انسجام اجتماعی و خرده‌نظام فرهنگی، به نهفتگی و حفظ ارزش‌ها می‌انجامد. خرده‌نظام اقتصادی نیز به سازگاری با محیط(از نظر نوع فعالیت اقتصادی و شرایط زیستی) یاری می‌رساند. به باور پارسنز گونه‌ای از هماهنگی و هم‌تغییری بین خرده‌نظام‌های چهارگانه‌ی یادشده وجود دارد(ریتزر[2]، ۱۳۷۴:۱۳۶-۱۳۸؛ کینلاک[3]، ۱۳۹۳:۱۹۹). با این تعبیر پارسنز، برای دست‌یابی به توسعه که با رویکرد نوسازی تعبیر می‌شود، هماهنگی بین خرده

[1] Parsons
[2] Ritzer
[3] Kinloch

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نظام‌های گوناگون ضرورت دارد و نبود هماهنگی بین این خرده‌نظام‌ها موجب توسعه‌نیافتگی و یا توسعه‌ی ناموزون می‌شود. پارسنز در متغیرهای الگویی خود، به سنخ‌شناسی اجتماعات و جوامع بر حسب ویژگی‌های ارزشی توسعه‌ای و غیرتوسعه‌ای پرداخته است(ازکیا و غفاری، ۱۸۰:۱۳۸۴).

به منظور دست‌یابی به توسعه‌ی اجتماعی میجلی و تانگ(۲۴۶:۲۰۰۱) اتخاذ سه اصل اولیه را پیشنهاد دادند که به ترتیب عبارتند از:

- ایجاد مقدمات سازمانی در سطح ملی؛
- هماهنگ‌سازی خط‌مشی‌های سیاسی در راستای تعهد به داشتن توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی مردم‌محور و پایدار؛
- فعالیت نزدیک و هماهنگ عامل‌های اقتصادی و خدمات اجتماعی با یکدیگر در یک چارچوب توسعه‌ی یکپارچه.

با اجرای اصل‌های ذکرشده، پیشرفت اجتماعی می‌تواند برانگیخته شود و رویکرد توسعه‌ی اجتماعی می‌تواند به اهداف خود دست یابد. این امر با نتایج فعالیت‌های افرادی چون میجلی(۲۱:۱۹۹۹-۳)، لومبارد[1] (۲۲۴:۲۰۰۳-۲۳۹)؛ گرین و لیمان[2](۲۰۰۳:-۱۶) مورد تأیید قرار گرفته است. آن‌ها موافق بودند که رویکرد توسعه‌ی اجتماعی، بر پیشرفت پایدار در رفاه فردی، خانواده، اجتماع و جامعه به‌صورت گسترده تأکید می‌کند. کاهش یا ریشه‌کنی فقر، نابرابری و شرایط توسعه‌نیافتگی به طور گسترده‌ای شاخص‌های پذیرفته‌شده‌ی پیشرفت‌های اجتماعی‌اند. هم-چنین واضح است که برای دست‌یابی به پیشرفت اجتماعی، رویکرد توسعه‌ی اجتماعی، به انسجام حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی توجه می‌کند. رویکرد توسعه‌ی اجتماعی، پتانسیلی جهت برانگیختن پیشرفت اجتماعی دارد.

در این حوزه، پاتل و همکاران بیان داشتند که توسعه‌ی اجتماعی به تحویل خدمات اجتماعی منسجم و جامعه‌محور، امکانات، برنامه‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی و مددکاری اجتماعی برای ترویج عدالت اجتماعی، ساخت توانایی‌های بشری و افزایش معیشت و قابلیت‌های اجتماعی مرتبط است تا مردم زندگی مولد و رضایت‌مندی داشته باشند. این دیدگاه توسط لومبارد نیز تأیید

[1] Lombard
[2] Green and Nyman

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

شده است که وی اذعان داشت رفاه اجتماعی توسعه‌ای در کنار محدوده‌ای از خدمات شامل ارائه‌ی خدمات اجتماعی حرکت می‌کند و پژوهش‌گران و فعالان در این زمینه تلاش می‌کنند تا به رویکرد توسعه‌ای تغییر یابند(پاتل و همکاران، ۲۰۰۵:۲۳).

ارزش چنین چشم‌اندازی توسط کاستلز[1](۱۹۹۸:۱۴) برجسته شده و وی اظهار می‌کند که توسعه‌ی اجتماعی منجر به توسعه‌ی فرهنگی می‌شود و باعث ابداع و توسعه‌ی اقتصادی شده و به نوبه‌ی خود پایداری نهادی و اعتماد را افزایش می‌دهد. پاتل(۲۰۰۵:۳۰) می‌گوید که رفاه اجتماعی مرتبط با توسعه‌ی شرایط زندگی مردم و دست‌یابی به رفاه بشری هدف توسعه‌ی اجتماعی است. این مورد بالا می‌تواند با سرمایه‌گذاری در ایجاد قابلیت‌های فقرا جهت مشارکت خلاق در اقتصاد از طریق توسعه‌ی سرمایه‌ی انسانی، به توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های خرد نائل بشود. سی پاول و رولینز[2](۱۹۹۹:۲۵۰-۲۶۹) مانند لومبارد (۲۰۰۳:۲۱۱) تأکید می‌کنند که توسعه‌ی اجتماعی رویکردی است که در سرمایه‌ی انسانی، اجتماعی و اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کند. سی پاول و رولینز(۱۹۹۹:۲۶۳-۲۵۰) میجلی و تانگ(۲۰۰۱:۲۴۷) لومبارد(۲۰۰۳:۲۱۱) و پاتل(۲۰۰۵ :۳۰)همگی تأکید می‌کنند که توسعه‌ی اجتماعی می‌تواند به صورت بهتری از طریق برنامه‌ها و خط‌مشی‌هایی محقق شود که از جمله‌ی این برنامه‌ها می‌توان به توسعه‌ی سرمایه‌ی انسانی، شمولیت افراد در فرآیند توسعه، افزایش ظرفیت بشری از طریق آموزش مهارت‌ها، سرمایه‌گذاری در ایجاد توانمندی‌های افراد فقیر برای مشارکت خلاق در اقتصاد از طریق توسعه سرمایه‌ی انسانی اشاره کرد.

نظریه‌ی دیگر مرتبط با توسعه‌ی اجتماعی، نظریه‌ی بازسازی دولت رفاه گیدنز[3] می‌باشد. به نظر وی، دلیل نابرابری در جوامع ناشی از عدم استفاده‌ی درست از استعدادها و توانایی‌های شهروندان است که این وضعیت، انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند و پیامدهای نامطلوب فراوانی دارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۹). به نظر گیدنز، اصلاح نظام‌های رفاهی می‌تواند نابرابری درآمدی را کاهش دهد؛ زیرا یکی از وظایف دولت رفاه، توزیع منابع از طریق اتخاذ سیاست‌های رفاه اجتماعی مناسب است. بهبود کیفیت آموزش عمومی، حفظ خدمات بهداشتی و درمانی متکی به منابع کافی، ارتقاء تسهیلات عمومی سالم و کنترل میزان جرم و تبه‌کاری در این زمینه نقش کلیدی دارد. به

[1] Castells
[2] C. Powell and Rollins
[3] Giddens.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نظر گیدنز یک نظام رفاهی خوب که به سود اکثریت مردم باشد، "اخلاق شهروندی" را در جامعه پدید خواهد آورد. گیدنز بر سرمایه‌گذاری اجتماعی تأکید نموده و راهبردهایی را برای آن مطرح کرده است از جمله: تأمین اجتماعی(به‌ویژه برای سالمندان)، اشتغال و مهارت‌آموزی بیکاران، کارآفرینی و تشویق و حمایت از مؤسسات کوچک اقتصادی، توجه به نوآوری تکنولوژیکی، آموزش مادام‌العمر و افزایش مهارت‌های شغلی و ایجاد زمینه‌های مشارکت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در طرح‌های عمومی و دولتی، کارآفرینی اجتماعی به جهت افزایش مشارکت مدنی. گیدنز در بعد سیاسی برای تقویت توسعه‌ی اجتماعی به "احیای اجتماعات محلی " و هم‌چنین توجه به حوزه‌ی عمومی را مطرح می‌کند که هر کدام نیز راه‌کارهای مربوط به خود را دارند(گیدنز،۱۳۷۸:۱۴۱-۷۹). وی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عوامل بسیاری را به عنوان پیش‌ران‌ها و محرک‌های توسعه‌ی اجتماعی در نظر می‌گیرد.

برای این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع از یک‌سو و دیدگاه‌های موجود در حوزه‌ی تحلیلی از سوی دیگر از چارچوب نظری ترکیبی به شرح زیر استفاده می‌شود:

رویکرد اصلی مورد استفاده در این پژوهش رویکرد نوسازی، دیدگاه گیدنز درباره‌ی بازسازی سوسیال دموکراسی و دیدگاه میجلی است. شاخه‌ی مرتبط با توسعه‌ی اجتماعی در دیدگاه نوسازی، نوسازی اجتماعی است که از بین نظریه‌پردازان این شاخه از نوسازی، دیدگاه پارسنز تناسب بیش‌تری با موضوع مورد مطالعه دارد. هم‌چنین دیدگاه گیدنز درباره‌ی بازسازی سوسیال دموکراسی در کنار نظریه‌ی پارسنز برای شناخت موانع توسعه‌ی اجتماعی به‌کار گرفته می‌شود. پارسنز در نظریه‌ی نظام‌های اجتماعی خود به پیوند هماهنگ خرده‌نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای حفظ کلیت نظام اجتماعی به‌عنوان نمود جامعه پرداخت. دیدگاه پارسنز برای بعدبندی تحلیلی ابعاد توسعه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

می‌توان گفت که از بین نظریه‌های معاصر و متأخر توسعه، رویکرد گیدنز در مورد بازسازی سوسیال دموکراسی به منظور دست‌یابی به اهداف دولت رفاه و توان‌مندسازی این گونه سیاست-گذاری‌ها، تناسب بیش‌تری با توسعه‌ی اجتماعی و زمینه‌های تسهیل‌کننده و یا محدودکننده‌ی آن دارد. بر اساس این دیدگاه می‌توان موانع فراروی توسعه‌ی اجتماعی را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد.

نظریه‌ی پارسنز درباره نوسازی اجتماعی، نظریه گیدنز پیرامون بازسازی سوسیال دموکراسی به منظور دست‌یابی به رفاه و نظریه‌ی میجلی و تانگ به عنوان چارچوب اصلی این پژوهش در نظر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

گرفته شده است. گیدنز، مجموعه‌عواملی را به‌عنوان محرک‌های توسعه در نظر می‌گیرد که می‌توان استدلال کرد که نبود و یا کاستی در این عوامل و زمینه‌ها می‌تواند زمینه‌ی تضعیف شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی را فراهم و یا دست‌یابی به این شاخص‌ها را دشوار کند. در مجموع، هم دیدگاه میجلی، به صورت مستقیم و هم گیدنز، در قالب پرداختن به بازسازی سوسیال دموکراسی و شاخص‌های آن که بیش‌تر اجتماعی است، به توسعه‌ی اجتماعی و الزامات و پیامدهای آن پرداخته‌اند. این نظریه‌ها می‌توانند چارچوب نظری- تحلیلی برای بررسی این بعد از توسعه را فراهم سازند. دیدگاه پارسنز نیز برای تحلیل ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توسعه و برخی ویژگی‌های درونی برای توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی در این پژوهش به‌کار بسته شده‌اند.

بر پایه‌ی این سه دیدگاه، به‌ویژه دیدگاه گیدنز درباره‌ی بازسازی دولت رفاه و جایگاهی که گیدنز برای ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به منظور دست‌یابی به توسعه‌ی مطلوب در نظر می‌گیرد، دیدگاه پارسنز درباره‌ی کارکرد خرده‌نظام‌های گوناگون و الگوی تحلیلی متغیرهای الگویی و هم‌چنین اصول سه‌گانه‌ی میجلی که ساختار سیاسی و اجتماعی و به‌ویژه خدمات اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد، موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران را تحلیل می‌کند. با توجه به این‌که، از یک‌سو، الف- در دیدگاه پارسنز ابعاد چهارگانه‌ای برای نظام اجتماعی در نظر گرفته شده است و در نوسازی اجتماعی به پیوند تنگاتنگ این ابعاد توجه شده است و ب- هم‌چنین متغیرهای الگویی مورد نظر پارسنز در دسته‌بندی دوگانه‌ی ویژگی‌های جوامع توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته را به شکل مقایسه‌ای مطرح نموده است. بخش زیادی از ویژگی‌های مورد تحلیل در متغیرهای الگویی مربوط به حوزه‌ی اجتماعی هستند و از سوی دیگر، گیدنز و میجلی نیز به‌صورت جداگانه بر اهمیت توسعه‌ی اجتماعی و الزامات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن تأکید نموده‌اند، بر اساس چارچوب نظری، چهار بعد به‌عنوان موانع توسعه‌ی اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرند و برای شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین مؤلفه‌های درونی هر یک از ابعاد؛ پرسش‌های پژوهش به شرح زیر مطرح و بررسی می‌شوند:

۱-مهم‌ترین موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی در ایران کدامند؟

۲-مهم‌ترین موانع فرهنگی توسعه‌ی اجتماعی در ایران کدامند؟

۳-مهم‌ترین موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی در ایران کدامند؟

۴-مهم‌ترین موانع سیاسی توسعه‌ی اجتماعی در ایران کدامند؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. از آن‌جا که ابزار سنجش در رابطه با موانع توسعه‌ی اجتماعی به‌صورت جامع نه در مورد ایران و نه دیگر کشورهای جهان موجود نبود و برخی مطالعات به‌صورت بخشی و پراکنده برخی از ابعاد آن را درباره‌ی قلمروهای محدودی بررسی نموده‌اند، برای ارزیابی موانع توسعه‌ی اجتماعی به تدوین پرسش‌نامه نیاز بود. پرسش‌نامه‌ی این پژوهش با روش ترکیبی برای سنجش موانع توسعه‌ی اجتماعی طراحی و تدوین شد. عناصر ترکیبی به‌کارگرفته‌شده در تهیه‌ی ابزار سنجش شامل این موارد بودند: ۱- بهره‌گیری از مبانی نظری مربوط به توسعه‌ی اجتماعی به‌ویژه دیدگاه نوسازی اجتماعی، دیدگاه بازسازی سوسیال دموکراسی گیدنز و دیدگاه توسعه‌ی اجتماعی میجلی که عناصر و مقوله‌هایی را درباره‌ی توسعه‌ی اجتماعی و بازدارنده‌ها و هم‌چنین تسهیل‌کنندگان توسعه‌ی اجتماعی بیان کرده‌اند. بعدبندی موانع توسعه و هم‌چنین بخشی از مؤلفه‌های درونی هر بعد از این نظریه‌ها اقتباس شدند. ۲- پیشینه‌ی تجربی مطالعات انجام‌شده در زمینه‌ی توسعه و به‌ویژه توسعه‌ی اجتماعی، بخش دیگری از منابع به‌کارگرفته‌شده در تدوین عناصر درونی هریک از ابعاد موانع توسعه‌ی اجتماعی بوده است. ۳- شاخص‌های جهانی که برای ارزیابی توسعه‌ی اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند، از جمله شاخص لگاتیوم و شاخص مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی که به‌صورت سالیانه، توسعه‌ی اجتماعی را در جهان مورد ارزیابی قرار می‌دهند نیز برای تدوین گویه‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند. ۴- مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با تعداد ۱۰ نفر از اعضای هیأت علمی جامعه‌شناسی مرتبط با مطالعات توسعه‌ی اجتماعی در تعدادی از دانشگاه‌های کشور برای مشخص‌کردن مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی، از دیگر منابع محتوایی تدوین گویه‌های پرسش‌نامه بوده است. بدین منظور، با توجه به ابعاد به‌دست‌آمده از چارچوب نظری، از افراد مصاحبه‌شونده سؤالات جداگانه‌ای در رابطه با هرکدام از ابعاد پرسیده شد و پس از استخراج پاسخ‌های آن‌ها و دسته‌بندی این پاسخ‌ها، نتایج آن‌ها در ترکیب با منابع دیگر پرسش‌نامه‌ی یادشده مورد استفاده قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که موانع توسعه‌ی اجتماعی در چهار خرده‌نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ابعاد مربوط به هرکدام از آن‌ها ارزیابی و اولویت‌بندی شد. پرسش‌نامه در مرحله‌ی مقدماتی- پیش‌آزمون- به صورت طیف لیکرت[1] و با ۵ سنجه‌ی پاسخ طراحی شد؛ ولی با مشاهده‌ی نمرات

[1] Likert scale

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

به‌دست‌آمده که هم‌جواری پاسخ‌ها در آن‌ها زیاد بود، برای ارزیابی و شناخت دقیق‌تر تمایزهای اجتماعی فاصله‌ی اولویت‌بندی عوامل توسط پاسخ‌گویان، اویت‌بندی‌ها با سنجه‌های سنجش به شکل ده‌گانه(نمره‌ی ۱ کم‌ترین اولویت تا نمره‌ی ۱۰ بالاترین اولویت) مورد ارزیابی قرار گرفت. بعد از پالایش پرسش‌نامه‌ی مقدماتی، پرسش‌نامه‌ی نهایی به شکل کنونی تدوین شد.

پرسش‌نامه به‌صورت کتبی و حضوری و هم‌چنین پرسش‌نامه‌ی اینترنتی توسط افراد نمونه تکمیل شد. از اعتبار صوری برای ارزیابی روایی ابزار سنجش و از ضریب آلفای کرونباخ برای ارزیابی پایایی پرسش‌نامه استفاده شد که نتایج در جدول زیر ارائه شده است. با توجه به این‌که هدف اصلی از این پژوهش، شناسایی مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی ایران از دید کارشناسان دانشگاهی بوده است، از آزمون فریدمن[1] جهت اولویت‌بندی ابعاد موانع و مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران بر حسب رتبه‌های کسب‌شده استفاده گردیده است.

جدول شماره‌ی دو- میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهای سنجش‌شده

متغیر	ابعاد	مقدار آلفای کرونباخ
موانع اجتماعی	آموزش	۰/۷۶۸
	رسانه‌های جمعی	۰/۸۶۹
	شرایط طبقاتی	۰/۸۸۲
	شرایط نسلی	۰/۷۹۲
	بهداشت و درمان	۰/۹۲۰
	سرمایه‌ی اجتماعی	۰/۹۳۸
	مسایل اجتماعی	۰/۹۰۷
موانع فرهنگی	چالش‌ها و ویژگی‌های هویتی	۰/۸۸۸
	ایستارها، باورها و رفتارهای فرهنگی	۰/۷۸۳
	مصرف فرهنگی	۰/۹۲۳
موانع اقتصادی	رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی	۰/۸۵۴
	نهادها و سازمان‌ها	۰/۸۵۳
	فرهنگ اقتصادی کشور	۰/۸۹۲
	تعاملات جهانی در حوزه‌ی اقتصاد	۰/۸۹۸
	آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد	۰/۹۰۸

[1] The Friedman test

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

متغیر	ابعاد	مقدار آلفای کرونباخ
موانع سیاسی	ساختار و نهادهای سیاسی (مدیریت سیاسی کشور)	۰/۹۵۰
	فرهنگ سیاسی	۰/۹۳۰

جامعه‌ی آماری این پژوهش، اعضاء هیأت علمی رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی دارای تحصیلات تکمیلی در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بوده است. با توجه به تعداد اعضاء هیأت علمی رشته‌ی جامعه‌شناسی مرتبط با موضوع در دانشگاه‌های دولتی(۱۹۵ نفر)[۱] بر اساس جدول مورگان تعداد ۱۳۱ نفر به عنوان نمونه محاسبه و از نمونه‌گیری هدف‌مند برای انتخاب نمونه‌ها از بین افراد مرتبط‌تر با توسعه و توسعه‌ی اجتماعی استفاده شد که در جدول زیر دانشگاه‌ها و تعداد نمونه‌ی انتخاب‌شده از هر دانشگاه ارائه گردیده است.

جدول شماره‌ی سه- توزیع حجم جامعه و نمونه در دانشگاه‌های دولتی و چگونگی تکمیل پرسش‌نامه

دانشگاه	تعداد عضو هیأت علمی	نمونه‌ی انتخاب‌شده و نحوه‌ی تکمیل
تهران	۲۴	۱۸(حضوری)
رازی کرمانشاه	۸	۳(اینترنتی)
کردستان	۳	۲(اینترنتی)
شیراز	۱۳	۹(حضوری و اینترنتی)
اصفهان	۱۲	۸ (اینترنتی و حضوری)
الزهرا	۹	۶(حضوری)
تربیت مدرس	۶	۳(حضوری)
علامه طباطبایی	۲۱	۱۷(حضوری)
شهید بهشتی	۶	۲(حضوری)

[۱] این تعداد اعضا بر اساس صفحه‌ی اینترنتی مربوط به هر دانشگاه که دارای تحصیلات تکمیلی در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بوده، برآورد شده است و اعضاء هیأت علمی معرفی‌شده در این صفحات که رشته و گرایش آن‌ها در حوزه‌ی جامعه‌شناسی، رفاه و برنامه‌ریزی اجتماعی و توسعه‌ی اجتماعی بوده، به‌عنوان جامعه‌ی آماری پژوهش انتخاب شدند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

دانشگاه	تعداد عضو هیأت علمی	نمونه‌ی انتخاب‌شده و نحوه‌ی تکمیل
همدان	۹	۶(حضوری)
اهواز	۹	۶(اینترنتی)
مازندران	۱۴	۵(اینرنتی)
تبریز	۸	۶(حضوری)
خوارزمی	۱۲	۸(حضوری)
شاهد	۳	۱(اینرنتی)
کرمان	۷	۴(اینترنتی)
گیلان	۱۲	۱۱(حضوری)
یزد	۱۳	۱۰(حضوری)
یاسوج	۶	۶(حضوری و اینترنتی)
جمع	۱۹۵	۱۳۱

برای انجام مصاحبه‌ی مقدماتی با تعداد ده نفر از اعضاء هیأت علمی جامعه‌شناسی مرتبط با توسعه در برخی از دانشگاه‌های کشور مصاحبه‌ی مقدماتی به عمل آمد و سؤالاتی برای شناسایی موانع در هر یک از ابعاد که بر اساس چارچوب نظری احصاء شده بودند، از آن‌ها پرسیده شد.

یافته‌های پژوهش

متغیّرهای جنس، سن، سابقه‌ی شغلی و مرتبه‌ی علمی مهم‌ترین متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی این پژوهش بوده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، بیش‌ترین فراوانی پاسخ‌گویان مربوط به پاسخ‌گویان مرد به تعداد ۱۱۰ نفر(۸۴ درصد) از حجم نمونه‌ی آماری بوده است. هم‌چنین بیش‌ترین فراوانی پاسخ‌گویان، مربوط به پاسخ‌گویان با دامنه‌ی سنی ۴۰- ۳۳ سال بوده که ۶۱ نفر(۴۶/۶ درصد) از حجم نمونه‌ی آماری را تشکیل داده‌اند. کم‌ترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان با دامنه‌ی سنی ۶۸- ۵۵ سال بوده که ۲۴ نفر(۱۸/۳ درصد) را از حجم نمونه‌ی آماری تشکیل داده است و پاسخ‌گویان با دامنه‌ی سنی ۵۴-۴۱ سال نیز ۴۶ نفر(۳۵/۱ درصد) بوده‌اند. هم‌چنین میانگین سنی در میان پاسخ‌گویان حجم نمونه‌ی آماری ۴۴/۷۰ سال بوده است که نشان‌دهنده‌ی میان‌سال بودن پاسخ‌گویان است. بیش‌ترین فراوانی پاسخ‌گویان از نظر سابقه‌ی شغلی مربوط به پاسخ‌گویان با دامنه‌ی سابقه‌ی شغلی ۱۰- ۱ سال بوده که ۷۱ نفر(۵۴/۲ درصد) را از حجم نمونه‌ی آماری

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

تشکیل داده‌اند. کم‌ترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان با دامنه‌ی سابقه‌ی شغلی ۳۰- ۲۱ سال بوده که ۲۳ نفر(۱۷/۶ درصد) از حجم نمونه‌ی آماری را تشکیل داده است. هم‌چنین میانگین سابقه‌ی شغلی در میان پاسخ‌گویان حجم نمونه‌ی آماری ۱۲/۲۸ سال بوده است. بیش‌ترین فراوانی پاسخ‌گویان مربوط به پاسخ‌گویان با رتبه‌ی علمی استادیار بوده که ۷۶ نفر(۵۸ درصد) را از حجم نمونه‌ی آماری تشکیل داده‌اند. کم‌ترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان با مرتبه‌ی علمی استاد تمام بوده که ۱۱ نفر(۸/۴ درصد) را از حجم نمونه‌ی آماری تشکیل داده است و افراد با مرتبه‌ی علمی دانش‌یار ۴۴ نفر(۳۳/۶ درصد) بوده‌اند.

مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران

در این‌جا مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی به تفکیک مؤلفه‌های محوری ارائه می‌گردد:

موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی

از آزمون فریدمن جهت اولویت‌بندی ابعاد موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی در ایران بر حسب رتبه‌های کسب‌شده استفاده شده است. با توجه به مقدار آزمون کای‌اسکوئر[1](۶۴۴/۲۶) که در سطح خطای ۰/۰۱ معنی‌دار است، با اطمینان ۰/۹۹ بین ابعاد موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی در ایران از نظر اعضای هیأت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی کشور، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها، مهم‌ترین ابعاد موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی در ایران به ترتیب عبارتند از: شرایط طبقاتی؛ سرمایه‌ی اجتماعی؛ آموزش؛ رسانه‌های جمعی؛ مسایل اجتماعی؛ بهداشت و درمان؛ شرایط نسلی. میزان واریانس نمره‌ی گویه‌های درونی بعد شرایط طبقاتی، کم‌تر از سایر ابعاد دیگری است که گویه‌های آن‌ها در رتبه‌های آغازین(جدول۵) قرار گرفته‌اند.

[1] Chi-squared test

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی چهار- نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت ابعاد موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی در ایران

رتبه	موانع	میانگین رتبه
۱	شرایط طبقاتی	۷/۴۹
۲	سرمایه‌ی اجتماعی	۷/۳۶
۳	آموزش	۷/۲۹
۴	رسانه‌های جمعی	۷/۱۳
۵	مسایل اجتماعی	۶/۶۳
۶	بهداشت و درمان	۶/۲۶
۷	شرایط نسلی	۵/۷۷
کای اسکوئر: ۶۴۴/۲۶ سطح معنی‌داری: ۰/۰۱		

به منظور مشخص‌شدن اهمیت مهم‌ترین شاخص‌های موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی در ایران، در ادامه، گویه‌های مرتبط با ابعاد یادشده مورد آزمون قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین شاخص‌های موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی در ابعاد رسانه‌های جمعی، آموزش و سرمایه‌ی اجتماعی قرار دارند؛ به‌عنوان نمونه نبود یا کمبود رسانه‌های مستقل، بی‌توجهی به تخصص و کارآمدی علمی در جامعه و رواج مدرک‌گرایی در جامعه در اولویت‌های نخست تا سوم قرار دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی پنج- نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت مهم‌ترین موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی در ایران

رتبه	موانع	بعد مربوطه	میانگین رتبه
۱	نبود یا کمبود رسانه‌های مستقل و منتقد به عنوان نماینده‌ی افکار عمومی جامعه	رسانه‌های جمعی	۳۶/۱۵
۲	بی‌توجهی به تخصص و کارآمدی علمی در جامعه	آموزش	۳۴/۳۱
۳	رواج مدرک‌گرایی در جامعه	آموزش	۳۳/۹۳
۴	گسترش کمّی آموزش دانشگاهی و بی‌توجهی به کیفیت آموزش	آموزش	۳۳/۱۴
۵	ضعف روحیه‌ی قانون‌گرایی شهروندان	سرمایه‌ی اجتماعی	۳۲/۹۲
۶	ضعف اعتماد عمومی در بین شهروندان	سرمایه اجتماعی	۳۲/۸۶
۷	ضعف روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان	سرمایه‌ی اجتماعی	۳۲/۶۰
۸	گسترش بی‌عدالتی و فرصت‌های نابرابر در جامعه	شرایط طبقاتی	۳۲/۵۲
۹	ضعف اعتماد نهادین در بین شهروندان	سرمایه‌ی اجتماعی	۳۱/۷۹
۱۰	افزایش شکاف طبقاتی در جامعه	شرایط طبقاتی	۳۱/۵۱

موانع فرهنگی توسعه‌ی اجتماعی

با توجه به مقدار آزمون کای‌اسکوئر(۱۶۵/۸۶) که در سطح خطای ۰/۰۱ معنی‌دار است(جدول ۶)، به لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۹ بین ابعاد موانع فرهنگی توسعه‌ی اجتماعی در ایران، تفاوت معنی‌داری از منظر اعضاء هیأت علمی جامعه‌شناسی کشور وجود دارد. مصرف فرهنگی، ایستارها، باورها و رفتارهای فرهنگی و چالش‌ها و ویژگی‌های هویتی به ترتیب مهم‌ترین ابعاد موانع فرهنگی توسعه‌ی اجتماعی معرفی شده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی شش-نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت ابعاد موانع فرهنگی توسعه‌ی اجتماعی در ایران

رتبه	موانع	میانگین رتبه(با در نظر گرفتن تعداد گویه)
۱	مصرف فرهنگی	۷/۱۶
۲	ایستارها، باورها و رفتارهای فرهنگی	۶/۲۰
۳	چالش‌ها و ویژگی‌های هویتی	۵/۴۱
کای اسکوئر: ۱۶۵/۸۶ سطح معنی‌داری: ۰/۰۱		

مهم‌ترین موانع فرهنگی توسعه‌ی اجتماعی در ایران از منظر اعضاء هیأت علمی جامعه‌شناسی با توجه به میانگین رتبه‌ها شامل موارد زیر است که پایین‌بودن میزان مطالعه در جامعه، پایین‌بودن میزان مصرف فرهنگی در جامعه و گرایش‌های خاص‌گرایانه در جامعه به ترتیب در رتبه‌های نخست تا سوم قرار دارند.

جدول شماره‌ی هفت- نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت مهم‌ترین موانع فرهنگی توسعه‌ی اجتماعی در ایران

رتبه	موانع	بعد مربوطه	میانگین رتبه
۱	پایین‌بودن میزان مطالعه در جامعه	مصرف فرهنگی	۱۱/۷۱
۲	پایین‌بودن میزان مصرف فرهنگی در جامعه	مصرف فرهنگی	۱۰/۱۸
۳	گرایش‌های خاص‌گرایانه در جامعه	ایستارها، باورها و رفتارهای فرهنگی	۹/۹۵
۴	نبود تنوع در امکانات و تولیدات فرهنگی مورد استفاده در جامعه	مصرف فرهنگی	۹/۵۴
۵	ضعف گرایش‌های توسعه‌ای در جامعه	ایستارها، باورها و رفتارهای فرهنگی	۹/۲۷
۶	ضعف فرهنگ و رفتار شهروندی در جامعه	ایستارها، باورها و رفتارهای فرهنگی	۸/۹۰
۷	ضعف حافظه تاریخی	چالش‌ها و ویژگی‌های هویتی	۸/۴۹
۸	کاهش عِرق و روحیهٔ ملّی در بین افراد جامعه	چالش‌ها و ویژگی‌های هویتی	۷/۹۹
۹	ضعف آگاهی فرهنگی افراد جامعه نسبت به سبک زندگی مطلوب	ایستارها، باورها و رفتارهای فرهنگی	۷/۵۶
۱۰	از خودبیگانگی فرهنگی	چالش‌ها و ویژگی‌های هویتی	۷/۴۵

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی

با توجه به مقدار آزمون کای‌اسکوئر(۳۷۱/۴۵) که در سطح خطای ۰/۰۱ معنی‌دار(جدول ۸) است، به لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۹ بین ابعاد موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی در ایران از منظر اعضاء هیأت علمی جامعه‌شناسی کشور، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی، آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد، نهادها و سازمان‌ها، تعاملات جهانی در حوزه‌ی اقتصاد و فرهنگ اقتصادی کشور به ترتیب مهم‌ترین اولویت را در ابعاد موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی دارند.

جدول شماره‌ی هشت- نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت ابعاد موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی در ایران

رتبه	موانع	میانگین رتبه(با در نظر گرفتن تعداد گویه)
۱	رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی	۷/۹۶
۲	آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد	۷/۸۲
۳	نهادها و سازمان‌ها	۷/۷۷
۴	تعاملات جهانی در حوزه‌ی اقتصاد	۷/۴۳
۵	فرهنگ اقتصادی کشور	۷/۱۷
کای اسکوئر: ۳۷۱/۴۵ سطح معنی‌داری: ۰/۰۱		

مهم‌ترین موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی در ایران به ترتیب اولویت شامل آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد و رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی می‌باشد که نشان‌گر نقش محوری آن‌ها در روند توسعه و توسعه‌نیافتگی اجتماعی کشور است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی نه- نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت مهم‌ترین موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی در ایران

رتبه	موانع	بعد مربوطه	میانگین رتبه
۱	وجود شبکه‌های فساد در نظام تولید و توزیع کالا و ساختار بانکی	آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد	۱۴/۶۳
۲	اقتصاد دولتی و تمرکزگرا در کشور	رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی	۱۳/۹۲
۳	وجود شبکه‌های انحصاری و بدون رقیب در نظام اقتصادی کشور	نهادها و سازمان‌های اقتصادی	۱۳/۴۰
۴	نفت‌محور بودن اقتصاد و ساختارهای اقتصادی کشور	رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی	۱۲/۷۰
۵	خام‌فروشی منابع طبیعی کشور	رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی	۱۲/۱۱
۶	پایین‌بودن امنیت سرمایه‌گذاری	آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد	۱۲/۰۹
۷	ضعف وجدان کار و اخلاق حرفه‌ای در جامعه	فرهنگ اقتصادی کشور	۱۱/۸۷
۸	نبود شفافیت اقتصادی در جامعه	آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد	۱۱/۶۵
۹	رابطه‌مداری در تعاملات اقتصادی دولتی و عمومی	آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد	۱۱/۶۳
۱۰	اقتصاد تک‌محصولی کشور	رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی	۱۱/۶۲

موانع سیاسی توسعه‌ی اجتماعی

با توجه به مقدار آزمون کای‌اسکوئر(۱۳۱/۰۰) که در سطح خطای ۰/۰۱ معنی‌دار است، به لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۹ بین ابعاد موانع سیاسی توسعه‌ی اجتماعی در ایران، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ساختار و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی کشور) و فرهنگ سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین ابعاد سیاسی موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران معرفی شده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی ده- نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت موانع سیاسی توسعه‌ی اجتماعی در ایران

رتبه	موانع	میانگین رتبه (با در نظر گرفتن تعداد گویه)
۱	ساختار و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی کشور)	۷/۸۸
۲	فرهنگ سیاسی	۶/۶۴
	کای اسکوئر: ۱۳۱/۰۰ سطح معنی‌داری: ۰/۰۱	

مهم‌ترین شاخص‌های موانع سیاسی توسعه‌ی اجتماعی، در بعد ساختار و نهادهای سیاسی قرار دارند. نظر به مدیریت عمودی در کشورهای جهان سوم چون ایران، این بعد از نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند توسعه و وضعیت توسعه یا توسعه‌نیافتگی برخوردار است.

جدول شماره‌ی یازده- نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت مهم‌ترین موانع سیاسی توسعه‌ی اجتماعی در ایران

رتبه	موانع	بعد مربوطه	میانگین رتبه
۱	عدم شایسته‌سالاری در انتصابات سیاسی و اجرائی در وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۲/۵۰
۲	نبود شفافیت در عمل‌کرد نهادهای سیاسی	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۲/۰۹
۳	توجه به منافع جناحی و گروهی به جای منافع جمعی و ملّی در تصمیمات و برنامه‌های سیاسی و اجرائی	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۲/۰۶
۴	فقدان یا ضعف نهادهای مدنی	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۱/۶۹
۵	عدم وجود نهادها و مؤسسات سیاسی مدرن در کشور (احزاب و تشکل‌های سیاسی)	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۱/۲۸
۶	نبود نظارت دقیق بر عمل‌کرد نهادها و مؤسسات	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۱/۲۸
۷	رویه‌ی آزمون و خطا در شیوه‌های مدیریتی نهادها و سازمان‌های سیاسی و اجرائی	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۱/۲۳
۸	موازی‌کاری در نهادها و سازمان‌های سیاسی	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۰/۴۷
۹	کم‌توجهی به منافع ملّی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۰/۳۴
۱۰	نهادینه‌نشدن مسئولیت‌پذیری سیاسی در بین مسئولان و کارگزاران سیاسی و اجرائی	ساختار و نهادهای سیاسی	۱۰/۲۷

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مهم‌ترین موانع در توسعه‌ی اجتماعی ایران

با توجه به مقدار آزمون کای‌اسکوئر(۳۸۴/۳۴) که در سطح خطای ۰/۰۱ معنی‌دار است، به لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۹ بین خرده‌نظام‌های مولفه‌ی توسعه‌ی اجتماعی در ایران، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. موانع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران شناسایی شدند.

جدول شماره‌ی دوازده- نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت خرده‌نظام‌های موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران

رتبه	موانع	میانگین رتبه (با در نظر گرفتن تعداد گویه)
۱	موانع اقتصادی	۷/۶۳
۲	موانع سیاسی	۷/۴۰
۳	موانع فرهنگی	۶/۸۹
۴	موانع اجتماعی	۶/۰۲
کای اسکوئر: ۳۸۴/۳۴ سطح معنی‌داری: ۰/۰۱		

با توجه به میانگین رتبه‌ها، مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران به تفکیک بعد مرتبط، در جدول زیر ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد شاخص‌های اقتصادی و سیاسی در صدر موانع قرار دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی سیزده- نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی ایران

رتبه	موانع	بعد مرتبط در موانع توسعه‌ی اجتماعی	میانگین رتبه
۱	وجود شبکه‌های فساد در نظام تولید و توزیع کالا و ساختار بانکی	آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد	۷۶/۶۳
۲	اقتصاد دولتی و تمرکزگرا در کشور	رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی	۷۴/۲۲
۳	عدم شایسته‌سالاری در انتصابات سیاسی و اجرائی در وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها	ساختارها و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی جامعه)	۷۳/۶۰
۴	بی‌توجهی یا کم‌توجهی به توسعه و الزامات آن در رسانه‌های جمعی داخلی	رسانه‌های جمعی	۷۳/۲۲
۵	وجود شبکه‌های انحصاری و بدون رقیب در نظام اقتصادی کشور	نهادها و سازمان‌های اقتصادی	۷۲/۳۵
۶	نبود شفافیت در عمل‌کرد نهادهای سیاسی	ساختارها و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی جامعه)	۷۲/۰۲
۷	توجه به منافع جناحی و گروهی به جای توجه به منافع جمعی و ملی در تصمیمات و برنامه‌های سیاسی و اجرائی	ساختارها و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی جامعه)	۷۲/۱۸
۸	فقدان یا ضعف نهادهای مدنی	ساختارها و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی جامعه)	۷۰/۷۹
۹	نفت‌محوربودن اقتصاد و ساختارهای اقتصادی کشور	رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی	۷۰/۳۱
۱۰	عدم وجود نهادها و مؤسسات سیاسی مدرن در کشور(احزاب و تشکل‌های سیاسی)	ساختارها و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی جامعه)	۶۸/۳۲
۱۱	نبود نظارت دقیق بر عمل‌کرد نهادها و مؤسسات	ساختارها و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی جامعه)	۶۸/۲۴
۱۲	رواج مدرک‌گرایی در جامعه	آموزش	۶۷/۸۰
۱۳	بی‌توجهی به تخصص و کارآمدی علمی در جامعه	آموزش	۶۷/۷۵
۱۴	رویه‌ی آزمون و خطا در شیوه‌های مدیریتی نهادها و سازمان‌های سیاسی و اجرایی	ساختارها و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی جامعه)	۶۷/۶۳
۱۵	پایین‌بودن امنیت سرمایه‌گذاری	آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد	۶۶/۷۷

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه‌ی اجتماعی هم از جهت گستردگی مقوله‌ها و ابعاد آن و هم به جهت پیامدهای آن در هر جامعه‌ای از اهمیت بنیادینی برخوردار است. این مقاله بر آن بوده است تا مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی را در ایران مورد ارزیابی قرار دهد. در این راستا، ارزیابی کارشناسان دانشگاهی به‌عنوان محور بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی نشان داد که از دیدگاه کارشناسان دانشگاهی موانع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران هستند.

دیدگاه‌هایی که در این پژوهش به‌عنوان چارچوب نظری به‌کار گرفته شدند، از جمله دیدگاه نوسازی اجتماعی و به‌ویژه دیدگاه پارسنز، دیدگاه گیدنز پیرامون بازسازی سوسیال دموکراسی و دیدگاه میجلی که به‌صورت مشخص به توسعه‌ی اجتماعی پرداخته است، به شناسایی ابعاد چهارگانه‌ی موانع توسعه و هم‌چنین شناسایی برخی مؤلفه‌های درونی ابعاد یادشده کمک کردند. به بیان دیگر، دیدگاه‌های یادشده در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی بر مجموعه‌ای از شاخص‌ها به‌عنوان شاخص‌های توسعه به‌ویژه توسعه‌ی اجتماعی تأکید کرده‌اند و زمینه‌ها و موانع فراروی دست‌یابی به توسعه‌ی اجتماعی را برشمرده‌اند. در این دیدگاه‌ها زمینه‌ها و موانع توسعه به‌ویژه توسعه‌ی اجتماعی در ابعاد نهادی و اجتماع‌محور چون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مطرح شده است. بعدبندی این موانع، هم‌راستا با خرده‌نظام‌های اجتماعی در دیدگاه پارسنز است که هم‌تغییری را برای خرده‌نظام‌های گوناگون در جامعه مد نظر دارد.

اولویت‌بندی ابعاد اصلی نشان داد که بر اساس ارزیابی کارشناسان، مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران به ترتیب شامل موانع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. همان‌گونه که پارسنز در رویکرد نوسازی اجتماعی خود تأکید نموده است، خرده‌نظام اقتصادی به تزریق انرژی به پیکره‌ی نظام اجتماعی به معنای کلان آن می‌پردازد و کاستی در این خرده‌نظام می‌تواند کارکرد دیگر خرده‌نظام‌ها را از جمله خرده‌نظام اجتماعی، تحت تأثیر قرار دهد. خرده‌نظام سیاسی نیز به کارکرد دست‌یابی به هدف می‌پردازد و ضعف کارکردی را در این حوزه- که می‌تواند ناشی از ضعف عقلانیت مدیریتی و یا ناهماهنگی بین‌بخشی باشد- اهداف توسعه‌ای به معنای عام و توسعه‌ی اجتماعی به معنای خاص، تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به میانگین رتبه‌ها، مهم‌ترین ابعاد موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی در ایران از منظر اعضاء هیأت علمی جامعه‌شناسی کشور به ترتیب عبارتند از: رویکردها و سیاست‌های کلان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اقتصادی، آسیب‌ها و فساد در حوزه‌ی اقتصاد، نهادها و سازمان‌ها، تعاملات جهانی در حوزه‌ی اقتصاد، فرهنگ اقتصادی کشور. به بیان دیگر، نوع نگاه به اقتصاد، روابط اقتصادی در درون کشور و روابط اقتصادی با جهان، نابهنجاری در سازوکارهای اقتصادی، تمرکزگرایی و انحصاری‌بودن فعالیت‌های اقتصادی از مهم‌ترین موانع و مشکلات اقتصادی فراروی توسعه‌ی اجتماعی در ایران هستند. چنین ویژگی‌هایی جامعه را از فرصت توسعه‌ی اقتصادی و هم‌چنین توسعه‌ی اجتماعی باز می‌دارد و هزینه‌های پیاپی و در نتیجه تسلسل درماندگی اقتصادی و اجتماعی را بر جامعه تحمیل می‌کند. یافته‌های تحقیق با دیدگاه میجلی و تانگ(۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد. در دیدگاه پارسنز، تزریق انرژی توسط خرده‌نظام اقتصادی انجام می‌شود و برای ایفای چنین نقشی باید هماهنگی درون-بخشی و بین‌بخشی وجود داشته باشد و همان‌گونه که در متغیرهای الگویی تبیین شده است، دوری از گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های خاص‌گرایانه، عاطفی و سنتی از پیش‌نیازهای اساسی برای کارکردپذیری همه‌ی خرده‌نظام‌ها است. همان‌گونه که گیدنز در مدل خود برای دست‌یابی به یک جامعه رفاه، بر کاهش فقر و نابرابری، دست‌یابی به رفاه عادلانه و فرصت‌های برابر اقتصادی تأکید کرده بود؛ دست‌یابی به توسعه‌ی اجتماعی بدون توجه به این شاخص‌ها ممکن نیست. نتایج این مطالعه در زمینه‌ی موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی هم‌خوانی نزدیکی با آموزه‌ها و شاخص‌های مطرح‌شده در نظریه‌ی گیدنز دارد. نتایج مطالعه درباره‌ی موانع اقتصادی توسعه‌ی اجتماعی با نتایج مطالعه‌ی مطلق و گندمی (۱۳۹۶) در شهر خمین که بر کیفیت زندگی و هم‌چنین وضعیت عدالت اجتماعی تأکید نموده؛ با نتایج مطالعه‌ی ازکیا و همکاران (۱۳۹۳) و نتایج مطالعه‌ی عزیزی و سیدیان هاشمی(۱۳۹۵) در شهر اصفهان هم‌خوانی دارد و هم‌راستا با آن‌ها بر نقش بازدارنده‌های اقتصادی در توسعه‌نیافتگی اجتماعی تأکید می‌کند.

مهم‌ترین ابعاد موانع سیاسی توسعه‌ی اجتماعی در ایران به ترتیب عبارتند از: ساختار و نهادهای سیاسی(مدیریت سیاسی کشور)؛ فرهنگ سیاسی. این یافته‌ها نشان‌گر این است که جامعه-ی ایران به نهادمندی متناسب با توسعه‌ی همه‌جانبه دست نیافته و این کاستی به سهم خود بی-انسجامی در رفتارهای سیاسی و اجتماعی را پدید آورده است. نقش نهاد سیاسی و رفتارهای سیاسی به‌ویژه در جوامعی چون ایران که هنوز قدرت سیاسی نقش اساسی و توزیعی در مدیریت منابع دارد، مهم و محوری است و می‌توان انتظار داشت که کاستی و نهادمندی‌نشدن این حوزه، تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم خود را بر سایر بخش‌های جامعه به‌ویژه برنامه‌ها و رفتارهای توسعه‌ای به جا خواهد گذاشت. یافته‌های تحقیق با دیدگاه میجلی و تانگ(۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

که در آن بر نقش سازماندهی و هماهنگی سیاسی برای دست‌یابی به توسعه‌ی اجتماعی تأکید دارد. هم‌راستا با دیدگاه گیدنز که بر تقویت حوزه‌ی عمومی و احیای اجتماعات محلی به‌عنوان زمینه‌ی سیاسی لازم برای توسعه‌ی اجتماعی تأکید نموده است، پاسخ‌گویان در این مطالعه نیز بر اهمیت چنین شاخص‌هایی تأکید داشته‌اند؛ زیرا ضعف و کاستی در آن‌ها را به‌عنوان موانع فراروی توسعه‌ی اجتماعی معرفی کرده‌اند. در دیدگاه پارسنز، خرده‌نظام سیاسی به بسیج امکانات برای اهداف عمومی جامعه می‌پردازد و در این راستا لازم است از ویژگی‌های عقلانی، اکتسابی، عام-گرایانه و تخصصی برخوردار باشد تا بتواند کارکرد دست‌یابی را به اهداف عموم جامعه تحقق بخشد. نبود شایسته‌سالاری، خاص‌گرایی جناحی و قومیتی از موانع ایفای چنین نقش و کارکردی است. به بیان دیگر، یافته‌های این پژوهش گونه‌ای از هم‌راستایی با نظریه‌ی پارسنز، نظریه‌ی میجلی و نظریه‌ی گیدنز را نمایان می‌کند و نشان می‌دهد که توسعه‌ی اجتماعی بدون فراهم‌سازی بستر سیاسی متناسب با این تحولات توسعه‌ای ممکن نیست و یا به دشواری می‌توان بدان دست یافت.

با توجه به میانگین رتبه‌ها، مهم‌ترین ابعاد موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی در ایران به ترتیب عبارتند از: شرایط طبقاتی؛ سرمایه‌ی اجتماعی؛ آموزش؛ رسانه‌های جمعی؛ مسایل اجتماعی؛ بهداشت و درمان؛ شرایط نسلی. به بیان دیگر، چالش‌های طبقاتی، تعاملات اجتماعی و سواد و آگاهی اجتماعی و رسانه‌ای و نوع نگاه به آموزش و تحصیلات در جامعه از مهم‌ترین موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی هستند. مؤلفه‌های اجتماعی، گسترده‌ترین مؤلفه‌ها در توسعه هستند و گستردگی آن‌ها در بسیاری از موارد موجب بی‌توجهی به آن‌ها و کارکردشان در جامعه می‌شود. با این وجود، در شکل‌گیری جامعه‌ای شهروندمدار و توسعه‌ای این مؤلفه‌ها نقش بی‌بدیلی ایفا می-کنند و بروز کاستی و مشکل در آن‌ها زمینه‌ی توسعه‌نیافتگی را پدید می‌آورند. در دیدگاه گیدنز شاخص‌هایی چون آموزش، مشارکت اجتماعی، جامعه‌ی مدنی، بهداشت و درمان، اشتغال، عدالت در دسترسی به امکانات و فرصت‌های گوناگون از اهمیت محوری برای رسیدن به جامعه رفاه و توسعه‌ی اجتماعی برخوردارند. در این پژوهش نیز کارشناسان کاستی‌ها و نابسامانی‌ها را در این حوزه‌ها، به‌عنوان موانع دست‌یابی به توسعه‌ی اجتماعی برشمرده‌اند. رویکرد نوسازی وجود آموزش کارآمد و رسانه‌های جمعی را از پیش‌زمینه‌های توسعه‌ی اجتماعی دانسته و در این پژوهش نیز کاستی در این زمینه‌ها به عنوان موانعی مهم برای توسعه‌ی اجتماعی شناخته شده است. در این راستا، پارسنز در قالب نوسازی اجتماعی و هم‌چنین متغیرهای الگویی خود، ویژگی‌های اجتماعی برای داشتن جامعه‌ی توسعه‌محور را برشمرده بود. متغیرهای الگویی پارسنز

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جهت‌گیری‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع توسعه‌مدار و غیرتوسعه‌ای را سنخ‌بندی نموده است. میجلی نیز خدمات اجتماعی و اقتصادی هماهنگ با یکدیگر را در قالب سه اصل مورد نیاز برای توسعه‌ی اجتماعی دارای اهمیت و کارکرد می‌داند. موانع اجتماعی که برای توسعه‌ی اجتماعی بر شمرده شده‌اند، به‌گونه‌ای گزاره‌های نظری میجلی، پارسنز و گیدنز درباره‌ی زمینه‌ها و موانع توسعه، به معنای عام و توسعه‌ی اجتماعی، به معنای خاص را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد. مطالعات زیادی بر نقش عوامل اجتماعی در دست‌یابی و یا دست نیافتن به توسعه‌ی اجتماعی تأکید کرده‌اند. نتایج مطالعه درباره‌ی موانع اجتماعی توسعه‌ی اجتماعی با نتایج عزمی(۱۳۸۷)، با نتایج مطالعه‌ی فتحی و مختارپور(۱۳۹۵)، مطلق و گندمی(۱۳۹۶)؛ ازکیا و همکاران(۱۳۹۳) عزیزی و سیدیان هاشمی(۱۳۹۵) در شهر اصفهان و نتایج مطالعه‌ی حبیب‌زاده و همکاران(۱۳۹۲) هم‌خوانی دارد.

مهم‌ترین ابعاد موانع فرهنگی توسعه‌ی اجتماعی در ایران به ترتیب شامل مصرف فرهنگی؛ ایستارها؛ باورها و رفتارهای فرهنگی؛ چالش‌ها و ویژگی‌های هویتی می‌باشند. برخی از مهم‌ترین مصادیق این ابعاد عبارتند از: پایین‌بودن میزان مطالعه در جامعه؛ پایین‌بودن میزان مصرف فرهنگی در جامعه؛ گرایش‌های خاص‌گرایانه در جامعه؛ نبود تنوع در امکانات و تولیدات فرهنگی مورد استفاده در جامعه. نتایج این پژوهش هم‌راستا با چارچوب نظری است. پارسنز در متغیرهای الگویی خود بر حسب جهت‌گیری ارزشی و ارزش‌های فرهنگی جهت‌گیری‌های متناسب و نامتناسب را با توسعه مشخص کرده است. در دیدگاه گیدنز، تعهدپذیری و اخلاق مسئولانه در کسب و کار و اخلاق شهروندی در پیوند با توسعه‌ی اجتماعی و شکل‌گیری دولت رفاه کارآمد(که تبلور توسعه‌ی اجتماعی است) مورد تأکید قرار گرفته است. در دیدگاه گیدنز، بیش از دیگر دیدگاه‌های متأخر بر نقش زمینه‌های فرهنگی توسعه‌ی اجتماعی تأکید شده است، این تأکید به مراتب بیش از دیدگاه میجلی است که در آن بر سیاست‌گذاری‌ها و شرایط سیاسی و سازمانی تأکید شده است. نتایج این مطالعه با نتایج مطالعه‌ی حبیب‌زاده و همکاران(۱۳۹۲) و با نتایج مطالعه‌ی فتحی و مختارپور(۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد.

به‌صورت خلاصه و مصداقی، شبکه‌ی فساد، اقتصاد دولتی و نبود شایسته‌سالاری به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه‌ی اجتماعی در کشور بوده‌اند. نتیجه این‌که موانع اقتصادی و سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین بازدارنده‌های توسعه‌ی اجتماعی معرفی شده‌اند. در مجموع نتایج این مقاله با نظریه‌ها و برداشت نظری میجلی و تانگ(۲۰۰۱) و پاتل(۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد. همه‌ی این

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نظریه‌ها و هم‌چنین نتایج این مطالعه و مطالعات پیشین نشان می‌دهند که توسعه‌ی اجتماعی همبسته و در پیوند با دیگر ابعاد توسعه‌ای است و نمی‌توان بدون توجه به سایر زمینه‌ها به‌ویژه زمینه‌هایی که قدرت انتخاب انسانی را دربر دارند، به توسعه‌ی اجتماعی اندیشید.

اولویت یافتن موانع اقتصادی و سیاسی فراروی توسعه‌ی اجتماعی در مقایسه با موانع اجتماعی و فرهنگی در این پژوهش به معنای کم‌اهمیت‌بودن مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی نیست؛ زیرا فاصله‌ی نمره‌ای این موانع زیاد نبوده است. با وجود این، این اولویت‌بندی نشان‌گر ژرفای مسایل و مشکلات اقتصادی و سیاسی در کشور است. ماهیت این دو دسته از مؤلفه‌ها و پیوند تمرکزگرایانه‌ی آن‌ها با هم نشان‌گر هم‌افزایی در وضعیت مشکلات و ناکارآمدی این دو حوزه در کشور است. این وضعیت به سهم خود سایر مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز دست‌خوش کژکارکردی می‌سازد. خرده‌نظام‌های اجتماعی اگرچه در مقام تحلیل به‌صورت تفکیکی دیده می‌شوند، اما در میدان عمل پیوند تنگاتنگی بین آن‌ها وجود دارد و همان‌گونه که پارسنز(۱۹۵۱؛ ۱۹۳۷) تأکید داشت، گونه‌ای از پیوند و هم‌تغییری در بین آن‌ها وجود دارد. اولویت‌یافتن موانع اقتصادی و سیاسی، از زاویه‌ی دیگری نیز قابل تحلیل است و آن هم ماهیت جوامع جهان سوم است که در آن‌ها تمرکزگرایی و مدیریت عمودی بر امور مختلف جامعه، از یک‌سو و کاستی در کارآمدی شاخصه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی، از سوی دیگر، موجب می‌شود که جامعه حتی در تأمین نیازهای مادی خود که در ابعاد اقتصادی و سیاسی قرار دارد، دچار ضعف کارکردی شود و ضعف در این ابعاد کاستی و نارسایی در سایر ابعاد را، به‌ویژه توسعه‌ی اجتماعی پدید آورد. بنابراین، ناکارآمدی در بخش‌های اقتصادی و سیاسی زمینه‌ی افزایش ناکارآمدی در سایر بخش‌های جامعه و در نتیجه توسعه‌نیافتگی همه‌جانبه را در پی خواهد داشت.

مروری بر ادبیات نظری و به ویژه چارچوب نظری به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه‌ی اجتماعی، از یک‌سو، هم‌جوار با بسیاری از شاخص‌ها و انتظارات توسعه‌ای در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است و از سوی دیگر، همان‌گونه که در دیدگاه اندیش‌مندانی چون پارسنز، گیدنز و میجلی نشان داده شده است، دست‌یابی به چنین توسعه‌ای نیازمند برنامه‌ریزی جامع و گسترده‌ای در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. نبود بینش و برنامه‌های کاربردی که به چنین هماهنگی بین‌بخشی و فراهم‌سازی زمینه‌های کنش توسعه‌ای بپردازد، می‌تواند انسجام و آشفتگی را در مطالبات و کردارهای توسعه‌ای پدید آورد و جامعه را از دست‌یابی به چنین توسعه‌ای محروم سازد. نهادینه‌نشدن خواسته‌ها و ارزش‌های

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

توسعه‌ای در کنار نبود نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کارآمد و هماهنگ در جامعه‌ای هم‌چون ایران می‌تواند وضعیت توسعه‌ای، به‌ویژه توسعه‌ی اجتماعی را از مسیر مطلوب خارج سازد و جامعه را وارد چرخه‌ی باطلی از توسعه‌نیافتگی و مهیانشدن زمینه‌های تجربه رفتار توسعه‌ای سازد. یافته‌های این مطالعه ضمن هم‌خوانی‌داشتن با دیدگاه پارسنز درباره‌ی هم‌تغییری خرده‌نظام‌های گوناگون جامعه، دیدگاه گیدنز درباره‌ی اهمیت فعالیت‌های چندگانه برای دست‌یابی به رفاه و توسعه‌ی اجتماعی و دیدگاه میجلی درباره‌ی نقش ساختارها در توسعه‌ی اجتماعی، نشان می‌دهد که در جامعه‌ی ایران پیش‌زمینه‌های ساختاری(سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) توسعه‌ی اجتماعی از توان‌منـدی و کارآیی لازم برای دسـت‌یابی به چنیـن هدفـی برخوردار نیست و یا با وجود توان‌مندی‌ها در این خرده‌نظام‌ها، هماهنگی و اولویت‌بندیِ اثربخشی بین آن‌ها وجود ندارد. نقش نظام سیاسی و اجرایی به‌عنوان نهاد تصمیم‌ساز و طراح اولویت‌ها در این زمینه برجسته است. بینش حاکم بر برنامه‌ها، هماهنگی بین بخش‌ها و شفافیت در اجرای برنامه‌ها از جمله عوامل مهمی است که پیشنهاد می‌گردد مورد تحلیل قرار گیرند.

با توجه به نتایج این مطالعه، پیشنهاد می‌شود که میزان موفقیت برنامه‌های توسعه‌ای و دلایل و زمینه‌های ناهماهنگی بین‌بخشی در این برنامه‌ها ارزیابی و آسیب‌شناسی شود.

پیشنهاد می‌گردد ضمن به‌کارگیری رویکرد تخصصی در فعالیت‌های توسعه‌ای و مدیریتی، هماهنگی درون‌بخشی و بین‌بخشی برای هم‌راستاسازی برنامه‌های توسعه‌ای و کنش‌گران و کارگزاران این برنامه‌ها مورد توجه مسئولین کشور قرار گیرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

منابع

۱-ازکیا، مصطفی، زنجانی، حبیب‌الله، میرزایی، سید محمد و برغمدی، هادی (۱۳۹۳) «بررسی سطح توسعه‌ی اجتماعی در شهر تهران»، **مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران**، سال ششم، شماره‌ی ۴: ۲۱-۹.

۲-ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴) **جامعه‌شناسی توسعه**، تهران: دفتر پژوهش‌های مؤسسه‌ی کیهان.

۳-پیت، ریچارد و هارت ویک، الین (۱۳۸۴) **نظریه‌های توسعه**، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی و اسماعیل رحمان‌پور، تهران: نشر لویه.

۴-خلیلی خو، محمدرضا (۱۳۷۳) **توسعه و نوسازی ایران در دوره‌ی رضاشاه**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

۵-دیگار، ژان پیر، هورکاد، برنار و ریشار، یان (۱۳۷۷) **ایران در قرن بیستم**، ترجمه‌ی عبدالرضا(هوشنگ) مهدوی، تهران: نشر البرز.

۶-رفیعی، فاطمه و شیری، طهمورث (۱۳۹۶) «تحلیل جامعه‌شناختی شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی در دوره‌ی پساتحریم»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران**، سال نهم، شماره‌ی ۲: ۳۹-۲۳.

۷-ریتزر، جورج (۱۳۷۴) **نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، نشر علمی.

۸-سادات حبیب‌زاده، شیدرخ، ایروانی، هوشنگ و کلانتری، خلیل (۱۳۹۲) «بررسی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده‌ی توسعه‌ی اجتماعی در شهرستان کرج»، **پژوهش‌های روستایی**، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۲: ۳۴۶-۳۲۷.

۹-عزمی، آئیژ (۱۳۸۷) «جای‌گاه توسعه‌ی اجتماعی ایران در راستای سند چشم‌انداز»، **فصل-نامه‌ی راهبرد یاس**، شماره‌ی ۱۵: ۱۱۵-۹۷.

۱۰-عزیزی، ابوطالب و سیدیان هاشمی، سارا (۱۳۹۵) «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی در شهر اصفهان»، **فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۳۲: ۵۰-۲۷.

۱۱-عنبری، موسی (۱۳۹۰) **جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ**، تهران: سمت.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۱۲-فاضلی، محمد، فتاحی، سجاد و زنجان رفیعی، سیده نسترن (۱۳۹۲) «توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌ها و جای‌گاه ایران در جهان»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی**، دوره-ی ۲، شماره‌ی ۱: ۱۸۲-۱۵۹.

۱۳-فتحی، سروش و مختارپور، مهدی (۱۳۹۵) «ارزیابی میزان تأثیر مهارت‌های شهروندی بر ارتقاء توسعه‌ی اجتماعی(مورد مطالعه مناطق ۳-۷-۱۴ تهران)»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران**، سال نهم، شماره‌ی ۱: ۱۰۳-۸۷.

۱۴-فلاحی، علی، کفاشی، مجید و صدیقی، بهرنگ (۱۳۹۷) «بررسی میزان روایی و پایایی ابزار سنجش و کیفیت توسعه‌ی اجتماعی در شهر تهران»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش اجتماعی**، سال دهم، شماره‌ی ۳۹: ۵۲-۲۷.

۱۵-فوران، جان (۱۳۷۸) **مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران**، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: مؤسسه‌ی خدماتی فرهنگی رسا.

۱۶-کینلاک، گراهام چارلز (۱۳۹۳) **نظریه‌ی جامعه‌شناختی تکوین دیدگاه‌ها و پارادایم‌های اصلی آن**، ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدی‌ها و سید رحیم تیموری، تهران: جامعه‌شناسان.

۱۷-گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) **راه سوم**، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، تهران: شیرازه.

۱۸-مطلق، معصومه و گندمی، محمد (۱۳۹۶) «میزان توسعه‌یافتگی با تأکید بر توسعه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی شهری خمین»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال نهم، شماره‌ی ۲: ۱۰۰- ۸۹.

۱۹-وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰) **ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور**، ویرایش اول، دفتر طرح‌های ملی.

۲۰-وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) **ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور**، ویرایش اول، دفتر طرح‌های ملی.

21-Castells, M. (1998). "Information Technology, Globalization and Social Development", Geneva: NRISD conference on Information Technologies and Social Development (Geneva, June 1998).

22-Holtzhausen, M (2013). "**Swartland social development policy and strategy**", Master Dissertation, Faculty of Economic and Management Sciences, Stellenbosch University.

23-Legatum Institute (2016), The Legatum Prosperity Index, Available at: www.legatum.com/news/the-2016-legatum-prosperity-index.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

24-Lombard, A. (2003)" Entrepreneurship in Africa: Social Work Challenges for Human, Social and Economic Development", ***Social Work/Maatskaplike Work***, 39(3): 224-239.

25-Matsui, N. (2004) "**Social Development Index as Capability Proxy: An Illustration of South and East Asia**", The Graduate School of East Asian Studies Yamaguchi University, Japan.

26-Midgley, J. & Tang, K. (2001) "Social Policy, Economic Growth and Developmental Welfare", ***International Journal of Social Welfare***, 10(4):244-255.

27-Midgley, j(1999) **Social Development: The Developmental Perspective in Social Welfare**, london: SAGE publications.

28-Parsons, T. (1951) **Social System**. Glencoe: Free Press.

29-Patel, L. (2005) **Social Welfare and Social Development in South Africa**. Cape Town: Oxford University Press.

30-Patel, L.; Noyoo, N.; Du Preez, J & Triegaardt, J. (2005). "Department of Social Development: Capacity Building Programme", ***Social Policy***, University of Johannesburg Department of Social Work.

31-Pieterse, J. N. (2010) **Development Theory**. London: SAGE Publications Ltd Paper prepared for the UNRISD Conference on Information Technologies and Social Development, Palais des Nations, Geneva, 22-24 June 1998.

32-Sewpaul, V. & Rollins, N. (1999). "Operationalising Developmental Social Work: The implementation of HIV/AIDS Project", ***Social Work/Maatskaplike Work***, 35(3): 250-263.

33-United Nations Department of Economic and Social Affairs. (2012). "Working definition of social integration". [Online] Available: http://social.un.org/index/SocialIntegration/Definition . aspx Accessed: 31 January 2012.

34-United Nations. (1995). **World Summit for Social Development**. Copenhagen, 6-12 March.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]